



ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی

افسانه توانگر حمزه کلایی^۱

مهدی اسکافی اصل^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

چکیده

کیفیت کنترل داخلی یکی از سازوکارهای نظارتی و کنترلی واحدهای تجاری تلقی می‌شود. از سوی دیگر، کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های راهبردی شرکتی است که از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های بورس اوراق بهادار ملزم به تشکیل این کمیته شده‌اند. علاوه بر این تفکیک مالکیت از مدیریت نیز سبب شده تا به قدرت مدیرعامل جهت افزایش منافع شخصی افزوده شود. در نتیجه این پژوهش درصدد است تا ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی را مورد بررسی قرار داده و همچنین تأثیر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر ارتباط آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد. در نتیجه اطلاعات ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت تحلیل لاجیت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی؛ تخصص مالی اعضا و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنادار دارد و ویژگی استقلال با متغیر وابسته رابطه معنادار نداشته است. همچنین نتایج نشان داد که قدرت مدیرعامل تنها تأثیر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی دارد.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، کیفیت کنترل داخلی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی.

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده اقتصاد و حسابداری، تهران، ایران. (نویسنده اصلی)
atstudents2012@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده اقتصاد و حسابداری، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

۱- مقدمه

یکی از سازوکارهایی که بازار برای کاهش هزینه نمایندگی از آن استفاده می‌کند، ارزیابی کیفیت کنترل داخلی واحدهای تجاری است. در ادبیات پژوهش از کنترل داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افشای به موقع اطلاعات، تسهیل فرآیند حسابرسی داخلی و مستقل و ... یاد می‌شود. به همین جهت، نظارت بر کیفیت و کارایی یک سیستم کنترل داخلی در شرکت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بوده که در آئین‌نامه‌ها و رهنمودهای راهبری شرکتی این مسئولیت بر عهده کمیته حسابرسی می‌باشد. طبق ماده ۲ منشور کمیته حسابرسی، یکی از اهداف تشکیل این کمیته، اثربخشی فرآیند کنترل داخلی به شمار رفته است. بازنگری ادبیات کمیته حسابرسی عمدتاً حاکی از آن است که این کمیته در کانون نظریه نمایندگی مورد بحث قرار گرفته است و همچنین سازوکاری جهت اطمینان از کیفیت بالای گزارشگری مالی تلقی شده است (کریشنان، ۲۰۰۵). در مقابل، دیدگاه غالب مدیران مبتنی بر این است که کارکرد کمیته حسابرسی را از ماهیت و محتوا به شکل تغییر دهند. به گونه‌ای که بر اساس این دیدگاه، برخی از شواهد نشان می‌دهد که مدیران به عنوان یکی از اجزای راهبری شرکتی، تأثیر منفی بر اثربخشی و کارایی کمیته حسابرسی دارند (بروین سیلز و کاردینالز، ۲۰۱۴). کمیته حسابرسی یکی از سازوکارهای نظارتی مؤثر برای بهبود کیفیت افشا سیستم کنترل داخلی است که به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند. ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل استقلال، اندازه، تعداد جلسات و تخصص مالی اعضای کمیته برای اثر بخشی کمیته حسابرسی اهمیت زیادی دارند (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعات پیشین نیز نشان داده‌اند که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایف حیاتی می‌باشد (ابوت و پارکر، ۲۰۰۰). بر اساس آنچه که در بالا به آن اشاره شده است و اینکه یکی از وظایف کمیته حسابرسی در بند ۶ منشور کمیته حسابرسی نظارت بر اثربخشی سیستم کنترل داخلی و پیگیری اجرای توصیه‌ها و رفع نقاط ضعف کنترل داخلی توسط حسابرسان داخلی و یا مستقل می‌باشد، سؤال اول این پژوهش این است که آیا ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی شرکت‌ها رابطه دارد؟

اگرچه کریشنان (۲۰۰۵) معتقد بود که یک کمیته حسابرسی اثربخش منجر به کاهش نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی می‌شود اما لیسیچ و همکاران (۲۰۱۶) بیان داشته‌اند که این تأثیر مشروط به قدرت مدیرعامل می‌باشد. استدلال آن‌ها این بود که مدیران از انگیزه بالایی برای کتمان نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی جهت افزایش منافع شخصی خود برخوردار هستند. زیرا استقرار یک سیستم کنترل داخلی بی اثر، فرصت سوء استفاده مدیران از دارایی‌ها و منابع شرکت را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، زمانی که یک سیستم کنترل داخلی ضعیف می‌باشد، مدیران از اختیار و

آزادی عمل خود جهت گزارشگری مالی استفاده می‌کنند که این امر ممکن است منجر به بروز انحراف در استفاده از رویه‌های مطلوب حسابداری (هوگان و ویلکینز، ۲۰۰۸) و همچنین افزایش ارائه اطلاعات مالی دارای کیفیت پایین (اشبوق و همکاران، ۲۰۰۸) گردد. اسکایپ و همکاران (۲۰۱۳) نیز معتقدند که کیفیت پایین گزارشگری مالی نتیجه ضعف سیستم کنترل داخلی می‌باشد که منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و فرصت طلبی مدیران می‌گردد. لیسچ و همکاران (۲۰۱۶) نشان داده‌اند که قدرت مدیرعامل ممکن است ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی را تعدیل نموده و در نتیجه رویکرد فرصت طلبی مدیر را در مواردی همچون سوء استفاده از دارایی‌های شرکت، عدم افشای به موقع اطلاعات، کتمان عملکرد نامطلوب و ... افزایش دهد. بر این اساس، سؤال دوم این پژوهش بررسی این موضوع است که آیا قدرت مدیر عامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی اثر تعدیل کننده دارد؟

اهمیت پژوهش حاضر را از چند جنبه می‌توان تبیین نمود: اول اینکه با توجه به جدید بودن قوانین مربوط به الزام وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، تحقیقات تجربی که به بررسی ارتباط ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی و همچنین اثر تعدیل کننده قدرت مدیرعامل بر این رابطه بپردازند، صورت نگرفته است. دوم اینکه انتظار می‌رود مطالعه حاضر بتواند علاوه بر غنا بخشیدن به ادبیات کمیته حسابرسی در بازارهای نوظهور، بویژه ایران، بیانگر اهمیت کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن در بهبود کیفیت کنترل داخلی و تعادل قدرت مدیرعامل در شرکت‌های ایرانی باشد.

در ادامه با مرور بر مبانی نظری تحقیق، پیشینه تحقیقات گذشته داخل و خارج مورد بررسی قرار گرفته و سپس فرضیه‌های پژوهش و روش شناسی تحقیق ارائه خواهد شد و در پایان تحلیل داده‌ها انجام شده و نتیجه گیری ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- کنترل داخلی

روند درازمدت تبدیل شرکت‌ها به سازمان‌های بزرگ، از جمله شرکت‌هایی با فعالیت‌های فنی و تخصصی و تعدد پرسنل سبب شده است تا مدیران اینگونه شرکت‌ها نتوانند بطور مستقیم بر عملیات آن نظارت شخصی و دست اول داشته باشند. به همین جهت، مدیران دیگر قادر نیستند برای ارزیابی نتایج عملیات و وضعیت مالی شرکت بر مشاهدات شخصی خود اتکا نمایند. در چنین شرایطی، استقرار یک سیستم کنترلی و نظارتی برای پیشبرد اهداف شرکت حائز اهمیت می‌باشد

(نشریه ۸۷ سازمان حسابرسی، ۱۳۹۰). کنترل‌های داخلی فرایندی است که به وسیله مدیریت و سایر کارکنان طراحی و اجرا می‌شود تا از دستیابی به اهداف واحد مورد رسیدگی در زمینه قابلیت اعتماد گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوطه، اطمینانی معقول بدست آید. از اینرو، کنترل‌های داخلی برای شناسایی آن دسته از خطرهای تجاری طراحی و اجرا می‌شود که دستیابی به هر یک از این اهداف را تهدید می‌کند (استانداردهای حسابرسی، ۲۶۵، ۱۳۹۴). بسیاری تصور می‌کنند یک سیستم کنترل داخلی یعنی اقدامات واحد تجاری برای جلوگیری از تقلب کارکنان. در واقع، این اقدامات جزئی از کنترل داخلی است. بطور کلی، ساختار کنترل داخلی یک سازمان شامل سیاست‌ها و روش‌هایی است که برای تأمین اطمینان نسبی از دستیابی به اهداف سازمان به وجود می‌آید. اطمینان نسبی بدان معناست که هیچ ساختار کنترل داخلی ایده آل نیست و مخارج کنترل داخلی یک واحد تجاری نباید بیش از منافع مورد انتظار از آن باشد. این منافع شامل توانایی سیستم کنترل داخلی برای حفاظت دارایی‌ها در برابر ضایع شدن، تقلب و استفاده نادرست، افزایش دقت و قابلیت اتکای مدارک حسابداری، تشویق کارکنان به رعایت رویه‌های واحدهای تجاری و سنجش میزان رعایت رویه‌ها و در نهایت ارزیابی کارایی است. بطور خلاصه، ساختار کنترل داخلی شامل کلیه اقداماتی است که به عمل می‌آید تا مدیریت اطمینان یابد هر چیز به گونه‌ای که باید، عمل می‌کند. سیستم کنترل داخلی مسائلی فراتر از وظایف مستقیم حسابداری و مالی را در بر می‌گیرد. دامنه آن تمامی شرکت را در بر گرفته و با کلیه فعالیت‌های آن سروکار دارد. ساختار کنترل داخلی، شیوه‌های مدیریت ارشد برای تفویض اختیار و تعیین مسئولیت انجام دادن اموری چون خرید، فروش، حسابداری و تولید را شامل می‌شود. سیستم کنترل داخلی همچنین شامل برنامه‌های مربوط به تهیه، بازمینی و توزیع گزارش‌ها و تجزیه و تحلیل‌های جاری بین سطوح مختلف سرپرستی است تا مدیران اجرایی بتوانند بر فعالیت‌ها و وظایف گوناگونی که شالوده یک واحد تجاری بزرگ را تشکیل می‌دهد، کنترل داشته باشند. استفاده از فنون بودجه بندی، استانداردهای تولید، آزمایشگاه‌های کنترل کیفیت، بررسی زمان و حرکت و برنامه‌های آموزش حین خدمت کارکنان موجب استفاده از مهندسان و تکنسین‌هایی می‌شود که هیچ ارتباطی با امور مالی ندارند اما تمامی این موارد جزئی از سازوکاری است که امروزه به نام ساختار کنترل داخلی شناخته می‌شود. کیفیت یک سیستم کنترل داخلی عامل تعیین کننده‌ای جهت قابلیت اتکای گزارشگری مالی، نحوه رسیدگی حسابرسان داخلی و مستقل، افشای به موقع اطلاعات مالی و حسابداری، شناسایی به هنگام مشکلات سازمان، کاهش هزینه نمایندگی بین ذینفعان می‌باشد (نشریه ۸۷ سازمان حسابرسی، ۱۳۹۰).

۲-۲- کمیته حسابرسی

پیشینه ایجاد کمیته حسابرسی در آمریکا به سال ۱۹۳۹ باز می‌گردد. در آن زمان، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا به تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک پیشنهاد داد تا حساب‌رسان مستقل را گروهی از مدیران غیرموظف هیات مدیره شرکت‌ها معرفی و در مورد انعقاد قرارداد حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه با آنان مذاکره کنند. سازمان از این گروه غیرموظف با عنوان ((کمیته حسابرسی)) یاد کرد. اما این پیشنهاد با فاصله زمانی زیادی و در سال ۱۹۷۱ به تصویب بورس اوراق بهادار آمریکا رسید. در نهایت، تشکیل کمیته حسابرسی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیویورک از سال ۱۹۸۷ الزامی شد.

با افزایش روند ایجاد کمیته حسابرسی در شرکت‌های سهامی آمریکا، اندیشه تشکیل آن در انگلستان نیز رواج یافت، تا اینکه در سال ۱۹۹۲، کمیته کادبری طی گزارشی به تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار لندن توصیه کرد تا کمیته حسابرسی را ایجاد کنند. اما، پذیرش این توصیه اختیاری بود. از این رو، بورس اوراق بهادار تمام شرکت‌های پذیرفته شده را ملزم کرد تا میزان پذیرش این توصیه را در گزارش سالانه مجمع عمومی صاحبان سهام خود افشا کنند. به این ترتیب، سهامداران از وضعیت ایجاد کمیته حسابرسی یا دلایل عدم تشکیل آن آگاه می‌شدند. با انتشار گزارش کمیته کادبری، تعداد شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی را تشکیل دادند، بطور چشمگیری افزایش یافت. بطوری که در سال ۱۹۹۴، ۸۳٫۸ درصد از شرکت‌های سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار لندن، در ساختار سازمانی خود جایی برای کمیته حسابرسی داشته‌اند (محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). در ایران نیز سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ کلیه شرکت‌های بورسی را ملزم کرد که تا تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ کمیته حسابرسی خود را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کنند. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ نیز در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) شامل ۱۴ ماده و ۲ تبصره به تصویب هیأت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از تاریخ تصویب، لازم‌الاجرا شده است. مطابق این منشور، هدف از تشکیل کمیته حسابرسی کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیأت مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از ۱. اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی؛ ۲. سلامت گزارشگری مالی؛ ۳. اثربخشی حسابرسی داخلی؛ ۴. استقلال و اثربخشی حسابرسی مستقل؛ ۵. رعایت قوانین، مقررات و الزام‌ها است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱). این منشور همچنین پیرامون مسئولیت کمیته حسابرسی درباره کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک، گزارشگری مالی، حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل، رعایت قوانین، مقررات و الزام‌ها،

گزارشده‌ی و سایر مسئولیت‌ها مطالبی را مطرح کرده است. اعضای کمیته حسابرسی باید ترکیبی از اعضای مستقل، غیرموظف و دارای تخصص مالی و حسابداری باشد که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۳- استقلال اعضای کمیته حسابرسی

پرسون (۲۰۰۹) معتقد است که استقلال کمیته حسابرسی در اندازه‌گیری میزان اثربخشی کمیته حسابرسی ضروری است. انتخاب اعضای کمیته خارج از سازمان، استقلال اعضای کمیته را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، نبود مدیران موظف در کمیته حسابرسی سبب می‌شود تا حسابرسان بتوانند مسائلی همچون نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، اختلاف نظرها با مدیریت درباره اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی سوء استفاده‌های مدیریت یا سایر اعمال غیر قانونی مسئولان شرکت را صریح‌تر با کمیته حسابرسی مطرح کنند. تماس‌های کمیته حسابرسی با حسابرسان، اطلاعاتی به هنگام درباره وضعیت مالی واحد اقتصادی و نیز اطلاعات لازم برای ارزیابی کارایی و درستکاری مدیریت در اختیار هیأت مدیره واحد اقتصادی قرار می‌دهد (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۸۷). کلین (۲۰۰۲)، عوامل تعیین کننده استقلال کمیته حسابرسی را مورد مطالعه قرار داد. این مطالعه نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی با افزایش اندازه هیأت مدیره و استقلال هیأت مدیره افزایش و با فرصت رشد شرکت و گزارشگری متوالی زبان‌های شرکت‌ها کاهش می‌یابد. کارسلو و نیل (۲۰۰۳) نشان دادند که استقلال کمیته حسابرسی با افشای وضعیت مالی شرکت‌هایی که با بحران مالی روبرو شده‌اند، ارتباط دارد.

۲-۴- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی

اثربخشی کمیته حسابرسی در اجرای اهدافش بستگی به دانش و صلاحیت اعضای آن در امور کسب و کار، گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و حسابرسی دارد. طبق تعریف سازمان بورس و اوراق بهادار تهران تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی عبارت است از مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای ملی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی. مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار و مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی است (یوسفی آذر، ۱۳۹۱). باید توجه داشت که داشتن تخصص حسابداری یا مالی برای تمامی اعضای کمیته ضرورتی ندارد. زیرا کمیته می‌تواند از نظر مشاوران در حوزه‌های

تخصصی استفاده کند. اما در هر صورت، اعضای کمیته باید قادر باشند سؤالات صحیحی مطرح کرده و بتوانند پاسخ‌ها را نیز به خوبی تحلیل کنند. البته نباید فراموش شود که برای افزایش اثربخشی و کیفیت عملکرد، لازم است تا حداقل یکی از اعضای کمیته در زمینه حسابداری یا مدیریت مالی تخصص داشته و از تمامی رویدادها و تغییرات در فرآیندها و الزامات گزارشگری آگاهی داشته باشد؛ زیرا وظیفه اصلی کمیته حسابرسی، بررسی فرآیندهای گزارشگری مالی برای کسب اطمینان از کیفیت آن است (بوس اوراق بهادار تایلند به نقل از محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). بطور کلی این ویژگی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه تنگاتنگی داشته است و در ادبیات تحقیقات پیشین به نحو چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است.

دیزورت و سالتیو (۲۰۰۱)، نمونه‌ای از اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌های کانادایی را مورد بررسی قرار دادند تا واکنش آن‌ها را نسبت به مذاکرات میان حسابرسی مستقل و مدیریت شرکت مشخص کنند. آن‌ها دریافتند که حمایت بیشتر از حسابرس مستقل به وسیله کمیته حسابرسی با تجربه بیشتر مدیر مستقل و دانش بالاتر گزارشگری حسابرسی مدیران ارتباط دارد. با وجود این، رابطه معنی‌داری بین قضاوت اعضای کمیته حسابرسی و دانش گزارشگری مالی آن‌ها پیدا نکردند (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). مک‌دانیل و همکاران (۲۰۰۲) برای بررسی اختلاف قضاوت درباره کیفیت گزارشگری مالی میان کارشناسان مالی و تحصیل کرده‌های مالی آزمایشی انجام دادند. نتایج حاصل از مطالعه شمول کارشناسان مالی را در کمیته حسابرسی در بر داشت که احتمال می‌رود یکنواختی ارزیابی‌های کلی کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰).

دیویدسان، زای و زو (۲۰۰۴)، در تحقیقی بازده سهام را پیرامون زمان انتصاب اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد مادامی که اعضای جدید کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، شاهد تاثیرگذاری قابل ملاحظه‌ای روی قیمت سهام هستیم. کانسولو و دفیوننتس (۲۰۰۷) بیان می‌دارند که مطالعات قبلی نشان داده‌اند مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی است (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰).

هیات نظارت عمومی^۱ بیان می‌دارد که اگر اعضای کمیته حسابرسی، تخصص در حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و بخش‌های گزارشگری مالی داشته باشند در انجام کار خود موثرتر عمل می‌کنند (عثمان و همکاران^۲، ۲۰۱۴). پرسون^۳ (۲۰۰۹) ذکر کرد که در کمیته حسابرسی با اعضای مستقل و دارای تخصص حسابداری و مالی، احتمال بیشتری وجود دارد که صورت‌های مالی اشتباه و معاملات نادرست کشف شوند؛ زیرا آن‌ها باید برای حفظ شهرتشان به منشور اخلاقی حرفه عمل کنند.

نوشتارهای نظری و تجربی مختلف اهمیت انواع مختلف تخصص و تجربه را پیرامون فعالیت‌های عملیاتی متنوع شناسایی کرده‌اند. علاوه بر استقلال، تخصص کمیته حسابرسی نیز اغلب به عنوان ویژگی مهمی برای عملکرد مؤثر آن در نظر گرفته می‌شود. استدلال شده است که نظارت مؤثر کمیته حسابرسی ایجاب می‌کند که اعضای آن برای ارزیابی مستقل موضوعاتی که به آن‌ها ارائه می‌شود، تخصص کافی در حسابداری و حسابرسی داشته باشند (بیسلی و سالتریو، ۲۰۰۱ به نقل از تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). بدون درجه مشخصی از تخصص، برای اعضای کمیته حسابرسی دشوار خواهد بود تا اطلاعات مالی را که ملزم به ارزیابی آن‌ها هستند به اندازه کافی درک کنند. علاوه بر این مدیران دارای مدرک حرفه‌ای قانونی تمایل به داشتن آگاهی بیشتر از وظایفشان و الزامات قانونی پیرامون گزارشگری مالی دارند. همچنین نهادهای تدوین کننده مقررات در ایالات متحده آمریکا اهمیت قابل ملاحظه‌ای در زمینه تخصص کمیته حسابرسی تشخیص داده‌اند (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). هیتاش و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر سیستم کنترل داخلی در فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد که این امر بواسطه تخصص مالی بیشتر اعضای کمیته حسابرسی محقق می‌شود.

۲-۵- اندازه کمیته حسابرسی

چوی و همکاران (۲۰۰۴) بیان می‌دارند که اندازه کمیته حسابرسی می‌تواند تأثیر سازنده‌ای روی کمیته داشته باشد. کمیته حسابرسی بزرگ‌تر می‌تواند موثرتر باشد بطوری که کمیته‌ها تمایل دارند که شامل اعضای با تخصص‌های گوناگون برای انجام کنترل جدی‌تر رویه‌های گزارشگری مالی باشند (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). کمیته ریون بلو (۱۹۹۹) توصیه می‌کند که کمیته حسابرسی حداقل باید سه عضو داشته باشد. به هر حال کمیته حسابرسی کمتر تمایل دارد که بر اساس رابطه‌ای خطی با تاثیرگذاری عمل کنند، به این معنا که با افزایش اندازه کمیته، مؤثر و با کاهش اندازه کمیته، غیر مؤثر باشند. کارامانو و افیس (۲۰۰۵)، بیان می‌کنند که کمیته حسابرسی بزرگ‌تر، دانش وسیع‌تری دارد که بر مبنای آن استدلال و استنتاج می‌کنند (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعات قبلی همچون دالتون و همکاران^۴ (۱۹۹۹) نشان دادند که بین اندازه کمیته حسابرسی و نظارت بر عملکرد هیأت مدیره رابطه‌ای مثبت وجود دارد که منجر به عملکرد بهتر می‌شود (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). عثمان و همکاران (۲۰۱۴) نیز بیان داشتند که اندازه بزرگ‌تر از کمیته حسابرسی (کمیته حسابرسی با اعضای بیشتر)، می‌تواند اثربخشی بیشتری در نظارت بر شرکت داشته باشد؛ که این می‌تواند به افشای با کیفیت‌تر اطلاعات منجر می‌شود (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴).

با این حال، این تفکر هم وجود دارد که اندازه‌های بزرگ‌تر از یک کمیته حسابرسی منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری و تأخیر در تصمیم‌گیری و همچنین شکل‌گیری ارتباطات ضعیف‌تر می‌گردد (لین و همکاران^۵، ۲۰۰۸). برخی از ادبیات مالی موجود نیز شواهدی در زمینه رابطه منفی میان اندازه هیأت مدیره و اثربخشی نقش کنترلی مدیران فراهم می‌کند. هرچه کمیته حسابرسی بزرگ‌تر باشد، برای مدیران اجرایی سخت‌تر خواهد بود که اکثریت اعضا را برای انجام اصلاحات پیشنهادی ارائه شده از سوی حسابرسان مستقل تحت فشار قرار دهند. اما از طرف دیگر، این موضوع احتمال اشتباه با اهمیت در صورت‌های مالی و عدم رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری را کاهش خواهد داد که منجر به گزارش حسابرسی مقبول خواهد شد و احتمال افشای شرایط ابهام یا محدودیت در رسیدگی افزایش خواهد یافت (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). براساس آنچه که در بالا بیان شد، فرضیه اول این پژوهش به صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

۲-۶- قدرت مدیرعامل

طبق دستورالعمل‌های راهبری شرکتی، مدیرعامل به عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیأت مدیره نفوذ دارد. در همین راستا، اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران همسو نباشد، در این صورت نفوذ و قدرت مدیرعامل مشکل‌ساز می‌گردد (جنسن، ۱۹۹۳). یرماک (۱۹۹۶) نشان داد شرکت‌هایی که رئیس هیأت مدیره مستقل و غیر موظف باشد عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تحت نفوذ مدیرعامل دارند. گل و لیونج (۲۰۰۴) دریافتند که نفوذ مدیرعامل با افشای داوطلبانه کمتر ارتباط دارد. آن‌ها استدلال می‌کنند که نفوذ و قدرت مدیرعامل منجر به ترکیب مدیریت تصمیم و کنترل تصمیم می‌شود که این امر قابلیت و توانایی مدیر را برای اعمال کنترل مؤثر به تدریج تأثیر منفی می‌گذارد. شواهد تجربی موید این دیدگاه است که نفوذ و قدرت مدیرعامل به خاطر کاهش در نظارت مؤثر هیأت مدیره بر کارکنان اجرایی احتمالاً منجر به رفتارهای فرصت طلبانه بیشتری می‌شود (فرانکشتاین و داوئی، ۱۹۹۴).

کوهن و همکاران (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که این مدیران هستند که در نهایت تعیین‌کننده اثربخشی و کارایی کمیته حسابرسی می‌باشند. بروین سیلز و کاردینالز (۲۰۱۴) معتقدند شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی آن‌ها روابط دوستی با مدیرعامل دارند، تمایل به دریافت خدمات حسابرسی با هزینه کمتر و همچنین مدیریت سود بیشتر دارند. لیسچیج و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که انگیزه‌ها و منافع شخصی مدیران، عاملی جهت کتمان عملکرد نامطلوب یک سیستم کنترل داخلی محسوب می‌شود. زمانی که کیفیت یک سیستم کنترل داخلی مطلوب باشد، فرصت

سوء استفاده از منابع و دارایی‌های شرکت محدود می‌شود. در مقابل، ضعف یک سیستم کنترل داخلی باعث می‌شود، تا مدیران از اختیار و آزادی عمل خود در بکارگیری از رویه‌ها و برآوردهای حسابداری استفاده نمایند که ممکن است با منافع سهامداران همسو و هماهنگ نباشد. به همین جهت ممکن است عدم تقارن اطلاعاتی افزایش یافته و مدیران از مزیت اطلاعاتی نسبت به سایر استفاده‌کنندگان برخوردار باشند.

لیسیچ و همکاران (۲۰۱۶) همچنین اعتقاد دارند که کاهش اثربخشی کمیته حسابرسی عاملی برای کتمان عملکرد نامطلوب و ضعیف یک سیستم کنترل داخلی به شمار می‌رود. کولز و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند شدت و میزان نظارت هیأت مدیره بر مدیرعامل، رابطه معکوسی با قدرت مدیرعامل دارد. به عبارت دیگر، زمانی که مدیرعامل دارای قدرت است، توان هیأت مدیره برای نظارت بر مدیرعامل کاهش یافته که این امر بواسطه کاهش کارایی و اثربخشی کمیته حسابرسی محقق می‌شود. بنابراین فرضیه دوم این پژوهش به صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی دارد.

۳- پیشینه پژوهش

بازنگری ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های اندکی به طور همزمان ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، قدرت مدیرعامل و کیفیت کنترل داخلی را مورد بررسی قرار داده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

لیسیچ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی، قدرت مدیرعامل و کیفیت کنترل داخلی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود زمانی که میزان قدرت مدیر پایین است، ویژگی‌های اعضای کمیته حسابرسی شامل استقلال و تخصص مالی رابطه معکوسی با ضعف‌های سیستم کنترل داخلی دارد. در مقابل زمانی که قدرت مدیرعامل افزایش می‌یابد، رابطه منفی بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ضعف در سیستم کنترل داخلی طولانی‌تر می‌شود.

بدرافشان (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی اثرگذاری کیفیت کمیته حسابرسی بر تحقق اهداف کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مالی پرداخت. نتایج نشان داد که در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی، کیفیت کمیته حسابرسی منجر به کاهش نابرابری اطلاعاتی می‌شود.

۴- روش پژوهش

روش تحقیق مذکور توصیفی رگرسیونی بوده و از نظر شیوه استدلال قیاسی-استقرایی است. از آنجایی که در پژوهش‌های بازار سرمایه مرتبط به حسابداری، ممکن است در بعضی از موارد متغیر وابسته از نوع کیفی باشد، باید برای برآورد مدل از روش‌هایی غیر از حداقل مربعات معمولی استفاده نمود. بر این اساس از آنجایی که متغیر وابسته در این پژوهش دو وجهی می‌باشد، از تحلیل لاجیت برای آزمون فرضیه‌ها از طریق نرم افزار STATA استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی شرکت‌ها استفاده شده است. همچنین برای تحصیل بخشی از اطلاعات راجع به صورت‌های مالی، از سایت سازمان بورس استفاده شده است.

۴-۱- جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است، بدین ترتیب که نخست تمام شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انتخاب شدند، سپس از بین شرکت‌های موجود، شرکت‌های فاقد هر یک از شرایط زیر از نمونه خارج شدند:

- ۱) قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده باشند.
- ۲) اطلاعات آن‌ها به ویژه اطلاعات مربوط به کمیته حسابرسی و همچنین درصد مالکیت سهام مدیرعامل در دسترس باشد.
- ۳) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد. به دلیل آنکه ممکن است اطلاعات اینگونه شرکت‌ها شامل اطلاعات سایر شرکت‌های نمونه باشد.
- ۴) سهام شرکت‌ها در طول سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ حداقل ۱۰۰ روز در هر سال معامله شده باشند.
- ۵) شرکت‌ها نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق در نهایت ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه انتخاب شده که جهت خلاصه کردن اطلاعات از نرم افزار صفحه گسترده اکسل استفاده شده است. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار ایویوز 7 تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها صورت گرفته است.

۴-۲- مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های لیبسیچ و همکاران (۲۰۱۶) که به صورت روابط ۱ و ۲ برآورد می‌شوند، استفاده شده است.

(۱)

$$ICQ_{i,t} = \alpha + \beta_0 ACFIN_{i,t} + \beta_1 ACIND + \beta_2 ACSZE_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 GROWTH_{i,t} + \beta_7 A_{i,t} + \beta_8 LNAF_{i,t} + \epsilon$$

(۲)

$$ICQ_{i,t} = \alpha + \beta_0 ACFIN_{i,t} + \beta_1 ACIND + \beta_2 ACSZE_{i,t} + \beta_3 CEOPOWER_{i,t} + \beta_4 ACFIN_{i,t} * CEOPOWER_{i,t} + \beta_5 ACIND_{i,t} * CEOPOWER_{i,t} + \beta_6 ACSZE_{i,t} * CEOPOWER_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \beta_9 LOSS_{i,t} + \beta_{10} GROWTH_{i,t} + \beta_{11} AQ_{i,t} + \beta_{12} LNAF_{i,t} + \epsilon$$

که در آن‌ها:

کیفیت کنترل داخلی (ICQ)

در این پژوهش، کیفیت کنترل داخلی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و یک متغیر دو وجهی می‌باشد. جهت اندازه‌گیری این متغیر از گزارش حسابرسی مستقل استفاده شده است. از آنجایی که نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی در صورتی که با اهمیت باشد در گزارش حسابرسی تحت یکی از بندهای شرط لحاظ می‌شود و سایر نقاط ضعف طی نامه مدیریت ارائه می‌شود، لذا در این پژوهش، در صورتی که در گزارش حسابرسی مستقل سیستم کنترل داخلی دارای ضعف با اهمیت نباشد، حاکی از کیفیت کنترل داخلی بوده و مقدار آن یک در نظر گرفته می‌شود. همچنین در صورتی که در گزارش حسابرسی مستقل به ضعف سیستم کنترل داخلی تصریح شده باشد، مقدار این متغیر صفر در نظر گرفته می‌شود (حاجی‌ها و حسین نژاد، ۱۳۹۴).

ویژگی‌های کمیته حسابرسی

متغیر مستقل در این مطالعه ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی حسابداری، استقلال، و اندازه کمیته حسابرسی می‌باشد.

تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFIN)

در این پژوهش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بدین صورت تعریف می‌شود: اعضای که دارای مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در مسائل مالی (حسابداری) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی باشند. بر این اساس، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی برابر است با نسبت اعضای کمیته

حسابرسی دارای مدرک مالی و حسابداری به تعداد اعضای کمیته حسابرسی (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

استقلال کمیته حسابرسی (ACIND)

عضو یا اعضای که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیر مستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثر گذار باشد، موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهام‌داران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب نبود رعایت منافع یکسان سهام‌داران شود. استقلال در این پژوهش عبارت‌اند از نسبت اعضای غیر موظف کمیته حسابرسی به تعداد اعضای کمیته حسابرسی (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

اندازه کمیته حسابرسی (ACSZE)

در این پژوهش اندازه کمیته حسابرسی برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

قدرت مدیرعامل (CEO POWER)

در این پژوهش جهت اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از درصد مالکیت سهام مدیرعامل در شرکت استفاده شده است. هر چه درصد مالکیت مدیرعامل در واحد تجاری بیشتر باشد، تمایل به افزایش منافع شخصی به هزینه سهام‌داران خرد در مدیران عامل افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت هر چه درصد مالکیت سهام مدیرعامل در شرکت بیشتر باشد بیانگر قدرت بیشتر وی در شرکت می‌باشد. علاوه بر این، هرچه درصد مالکیت مدیرعامل در شرکت بیشتر باشد، تاثیرگذاری او بر عملیات شرکت بیشتر بوده و با توجه به موقعیت راهبری خود بر تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی کنترل بیشتری دارند (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

متغیرهای کنترلی

LNAF: در این پژوهش، هزینه حسابرسی بر اساس یادداشت‌های توضیحی صورت سود و زیان محاسبه شده است. همچنین به دلیل کاهش ناهمسانی واریانس از لگاریتم طبیعی این متغیر برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

LNSIZE: در این پژوهش از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام به عنوان معیار اندازه شرکت استفاده شده است (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

AQ: در این پژوهش کیفیت حسابرسی با توجه به نوع حسابرس شرکت‌های نمونه اندازه‌گیری می‌شود. بدین صورت که اگر حسابرس در رتبه الف رده‌بندی موسسه‌های حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار تهران قرار گیرد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

LOSS: یک متغیر دو مقداری که اگر شرکت زیان داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

LNAGE: عمر شرکت که برابر است با تعداد سال‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶). جهت کاهش ناهمسانی واریانس، از لگاریتم طبیعی این متغیر استفاده شده است.

GROWTH: نرخ رشد فروش شرکت که برابر است با تغییرات فروش طی دو سال متوالی تقسیم بر فروش سال قبل (لیسیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

۵- نتایج پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد میانگین کیفیت کنترل داخلی ۰,۵۱ بوده که بیانگر این است که در بیش از نیمی از گزارش‌های حسابرسی نمونه‌ها، کیفیت کنترل داخلی توسط حسابرسان مستقل مطلوب ارزیابی شده است. میانگین اندازه کمیته حسابرسی ۳,۲۰ بوده که نشان می‌دهد در ایران بطور میانگین تعداد اعضای کمیته ۳ عضو می‌باشد. میانگین متغیر استقلال و تخصص اعضای کمیته به ترتیب ۰,۶۵ و ۰,۷۳ می‌باشد که بیانگر این است که بطور متوسط حدود ۶۵ درصد از اعضای کمیته حسابرسی مستقل می‌باشند که از این رقم حدود ۷۳ درصد دارای تخصص مالی و حسابداری می‌باشند. همانطور که مشاهده می‌شود حداقل این دو متغیر، حتی شامل عدد صفر نیز بوده است که نشان می‌دهد کمیته‌های حسابرسی در برخی از شرکت‌های بورسی ایران دارای حتی یک عضو مستقل یا متخصص مالی نیز نمی‌باشند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میانگین قدرت مدیرعامل که بواسطه درصد مالکیت سهام سنجیده می‌شود ۰,۱۰ می‌باشد. بطور کلی از نزدیکی میانگین و میانه متغیرها و همچنین انحراف معیار کم متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که متغیرها دارای توزیع تقریباً نرمال می‌باشند.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
ICQ	۰,۴۳۳۰۳۶	۰	۱	۰	۰,۴۹۶۰۴۹
ACFIN	۰,۷۱۲۷۴۶	۰,۶۶۶۶۶۷	۱	۰	۰,۲۶۸۶۳۶
ACIND	۰,۷۱۲۸۸۷	۰,۶۶۶۶۶۷	۱	۰	۰,۱۶۹۵۵۳
ACSZE	۳,۱۹۴۱۹۶	۳	۵	۳	۰,۵۷۹۴۸۷
AGE	۱۶,۶۰۷۱۴	۱۵	۴۸	۵	۷,۷۹۹۹۱۱
AQ	۰,۴۷۳۲۱۴	۰	۱	۰	۰,۴۹۹۸۴
CEO_POWER	۰,۱۰۶۰۴۹	۰,۰۷۲	۰,۸۹۹۶	۰	۰,۱۲۶۶۹۹
GROWTH	۱,۷۷۱۹۳۱	۰,۰۶۱۳۶۶	۲۳۶,۴۴۶۵	-۰,۹۹۸۴۹۲	۱۴,۹۶۴۹۹
LNAF	۸,۶۴۹۴۸۱	۸,۵۰۷۰۹۱	۱۳,۲۴۲۸۶	۵,۶۰۰۲۷۲	۱,۳۱۶۵۱۴
LNSIZE	۱۴,۳۲۰۵۸	۱۳,۹۳۴۴۲	۱۹,۱۰۶۲	۱۱,۳۰۳۱۲	۱,۵۶۳۰۴۳
LOSS	۰,۱۵۸۴۸۲	۰	۱	۰	۰,۳۶۵۶۰۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج همبستگی متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد به استثنای دو متغیر عمر شرکت و زیان که همبستگی منفی با متغیر کیفیت کنترل داخلی دارند، سایر متغیرها دارای رابطه مثبت با متغیر وابسته می‌باشند.

جدول ۲- همبستگی بین متغیرها

متغیر	ICQ	ACFIN	ACIND	ACSZE	AGE	AQ	CEO POWER	GROWTH	LNAF	LNSIZE	LOSS
ICQ	۱										
ACFIN	۰,۱۵	۱									
ACIND	-۰,۰۲	-۰,۱۳	۱								
ACSZE	-۰,۱۲	-۰,۰۷	-۰,۱۷	۱							
AGE	۰,۰۳	-۰,۰۶	-۰,۰۶	۰,۱۳	۱						
AQ	-۰,۰۷	-۰,۰۱	-۰,۰۵	۰,۰۸	-۰,۰۵	۱					
CEOPOWER	۰,۰۴	۰,۱۰	۰,۰۴	-۰,۰۴	-۰,۰۶	-۰,۰۶	۱				
GROWTH	-۰,۰۱	-۰,۰۲	۰,۰۲	-۰,۰۴	-۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۱			
LNAF	-۰,۰۷	-۰,۲۱	-۰,۱۱	۰,۲۳	۰,۱۷	۰,۲۰	-۰,۰۶	-۰,۰۶	۱		
LNSIZE	۰,۰۱	-۰,۱۱	-۰,۱۳	۰,۲۰	۰,۰۱	۰,۱۸	-۰,۰۷	-۰,۱۴	۰,۶۴	۱	
LOSS	-۰,۰۳	-۰,۱۰	۰,۰۴	-۰,۰۴	-۰,۰۱	۰,۱۶	-۰,۰۹	۰,۰۳	۰,۰۱	-۰,۰۵	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲- آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول این پژوهش بیانگر این است که: بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال آماره Z
ACFIN	۱,۰۴۱۷	۰,۳۸۸۶	۲,۶۸	۰,۰۰۷
ACIND	-۰,۱۹۶۲	۰,۵۹۴۸	-۰,۳۳	۰,۷۴۲
ACSZE	-۰,۴۷۵۵	۰,۱۹۵۵	-۲,۴۳	۰,۰۱۵
LNAGE	۰,۳۲۴۹	۰,۲۳۹۷	۱,۳۶	۰,۱۷۵
AQ	-۰,۲۵۲۷	۰,۲۰۴۳	-۱,۲۴	۰,۲۱۶
LNAF	-۰,۱۳۸۹	۰,۱۰۲۳	-۱,۳۶	۰,۱۷۵
GROWTH	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۶۷	-۰,۰۱	۰,۹۸۹
LOSS	-۰,۵۲۸	۰,۲۷۶۴	-۰,۱۹	۰,۸۴۸
SIZE	۰,۱۵۷۵	۰,۰۸۵۵	۱,۸۴	۰,۰۶۵
C	-۱,۱۷۹۷	۱,۴۲۴۱	-۰,۸۳	۰,۴۰۷
آماره مک فادن	۰,۰۳۶۷		آماره LR	۲۲,۴۷
			احتمال	۰,۰۰۷۵
احتمال آماره چاو	۰,۰۰۰۰		احتمال آماره هاسمن	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانگونه که نتایج آزمون نشان می‌دهد بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تخصص مالی رابطه مثبت و اندازه کمیته رابطه منفی با کیفیت کنترل داخلی که از لحاظ آماری نیز معنادار است. دیگر ویژگی این کمیته یعنی استقلال با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنادار نداشته است. رابطه مثبت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی حاکی از آن است که این ویژگی از کمیته ممکن است بر کیفیت کنترل داخلی بیافزاید. همچنین رابطه منفی اندازه کمیته مبین آن است که هر چه تعداد اعضای کمیته بیشتر باشد ممکن کیفیت کنترل داخلی به دلایلی همچون ناهماهنگی دیدگاه‌ها از کیفیت کنارل داخلی بکاهد. اگرچه ویژگی استقلال اعضای کمیته حسابرسی رابطه معناداری با کیفیت کنترل داخلی نشان نداده است، اما از علامت مثبت ضرایب آن می‌توان چنین استنباط نمود که ممکن است این ویژگی‌ها نیز با کیفیت کنترل داخلی رابطه داشته باشند. در رابطه با متغیرهای کنترلی نیز نتایج نشان می‌دهد که تنها متغیر اندازه شرکت رابطه

مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد با متغیر وابسته دارد. به بیان دیگر در شرکت‌های بزرگ کیفیت کنترل داخلی بالاتر بوده که ممکن است دلیل آن نظارت بیشتر سهامداران و سایر ذینفعان بر اینگونه شرکت‌ها باشد که مبتنی بر فرضیه سیاسی نظریه نمایندگی است. فرضیه دوم پژوهش به بررسی تأثیر تعدیل کننده قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی می‌پردازد.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال آماره Z
ACFIN	۱,۴۱۶۹	۰,۵۲۲	۲,۷۱	۰,۰۰۷
ACIND	۰,۰۰۲۰	۰,۷۶۷۷	۰,۰۰	۰,۹۹۸
ACSZE	-۱,۵۷۸۷	۰,۴۸۳۵	-۳,۲۶	۰,۰۰۱
AGE	۰,۳۹۷۸	۰,۲۴۳۴	۱,۳۹	۰,۱۶۶
AQ	-۰,۲۲۴۷	۰,۲۰۷۳	-۱,۰۸	۰,۲۷۸
LNAF	-۰,۱۰۵۲	۰,۱۰۵۶	-۱,۰۰۱	۰,۳۱۹
GROWTH	-۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۶۷	۱,۵۷	۰,۱۱۷
LOSS	۰,۰۳۳۱	۰,۲۸۰۱	-۰,۱۲	۰,۹۰۶
SIZE	۰,۱۳۶۹	۰,۰۸۷۳	۱,۵۷	۰,۱۱۷
CEO_POWER	-۲۸,۹۳۰	۱۴,۰۲۱۳	-۲,۰۶	۰,۰۳۹
ACFIN_CEOPOWER	-۲,۸۱۱۸	۳,۵۳۵۲	۰,۸۰	۰,۴۲۶
ACIND_CEOPOWER	-۲,۱۲۳۳	۴,۸۹۷۱	-۰,۴۳	۰,۶۶۵
ACSZE_CEOPOWER	۱۰,۸۳۳۱	۴,۰۵۰۸	۲,۶۷	۰,۰۰۷
C	-۰,۸۴۳۲	۱,۳۲۱۴۱۷	-۰,۶۳۸۱۱۸	۰,۵۲۳۴
آماره مک فادن	۰,۰۶۱		آماره LR	۳۷,۴۲
			احتمال	۰,۰۰۰۴
احتمال آماره چاو	۰,۰۰۰۰		احتمال آماره هاسمن	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد درصد مالکیت سهام مدیران به عنوان معیار قدرت مدیرعامل رابطه منفی و معناداری با کیفیت کنترل داخلی دارد. علامت منفی ضریب این متغیر نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل از کیفیت کنترل داخلی می‌کاهد که ممکن است دلیل آن مبتنی بر فرضیه سلب مالکیت باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تنها متغیر $ACSZE*CEO\ POWER$ اثر تعدیل کننده بر کیفیت کنترل داخلی در سطح اطمینان ۹۵٪ دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت که

قدرت مدیرعامل از طریق تعدیل اندازه کمیته حسابرسی بر کیفیت کنترل داخلی تأثیر منفی داشته است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی می‌باشد. بر این اساس، اطلاعات ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به صورت تحلیل لاجیت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی تخصص مالی و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنادار داشته و ویژگی دیگر، یعنی استقلال اعضای این کمیته رابطه معناداری با متغیر وابسته نداشته است. از این یافته‌ها می‌توان چنین استنباط نمود که از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضای این کمیته منجر با ارتقا و بهبود سازوکارهای نظارتی و کنترلی نظیر سیستم کنترل داخلی در ارتباط است و افزایش اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت کنترل داخلی تأثیر منفی دارد. بر این اساس می‌توان گفت که تخصص مالی اعضای کمیته یکی از عوامل تاثیرگذار بر کیفیت و وقوع کمتر ضعف‌های اساسی کنترل‌های داخلی می‌باشد. بنابراین، اثربخشی کمیته حسابرسی در زمینه کیفیت کنترل داخلی بواسطه تخصص مالی اعضا شکل می‌گیرد. نتایج مربوط به تخصص مالی کمیته حسابرسی با پژوهش لیسچ و همکاران (۲۰۱۶) همسو بوده اما نتایج مربوط به استقلال کمیته حسابرسی با پژوهش لیسچ و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت ندارد. در رابطه با فرضیه دوم که به بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی پرداخته است، نتایج نشان داده است که قدرت مدیرعامل تنها از طریق اندازه کمیته حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ بر رابطه مذکور اثر تعدیل‌کننده دارد. بنابراین، این فرضیه که کیفیت پایین کنترل داخلی، در شرکت‌های دارای قدرت بالاتر مدیرعامل بیشتر رخ می‌دهد، در مورد شرکت‌های ایرانی مصداق ندارد. ممکن است یکی از دلایل این امر، دوره تصدی پایین مدیرعامل در شرکت‌های نمونه باشد. نتایج این فرضیه با پژوهش لیسچ و همکاران (۲۰۱۶) که نشان داده‌اند قدرت مدیرعامل ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی را تعدیل می‌کند، همسو نمی‌باشد.

انتظار می‌رود نتایج حاصل از این پژوهش در شناسایی کمیته حسابرسی مؤثر بر کیفیت کنترل داخلی به منظور بررسی قوانین و مقررات موجود یا تجدیدنظر در آن‌ها و یا وضع قوانین و مقررات جدید مفید واقع شود. یکی از محدودیت‌های پژوهش افشا نشدن اطلاعات کامل در مورد سایر

ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله تعداد جلسات آن است که می‌توانست بر کیفیت کنترل داخلی شرکت‌ها اثرگذار باشد. علاوه بر این، از آنجایی که نتایج بیانگر این امر بوده است که تنها یک ویژگی کمیته حسابرسی بر کیفیت کنترل داخلی تأثیر داشته است لذا پیشنهاد می‌شود تا تمرکز نهادهای نظارتی از تشکیل کمیته‌های حسابرسی به نظارت بر گزارش کنترل داخلی تغییر جهت دهد تا زمینه تکمیل و تقویت این سازوکار نظارتی فراهم گردد.



فهرست منابع

- ۱) ارباب سلیمانی، عباس و محمود نفری، (۱۳۸۷)، "اصول حسابرسی"، تهران، سازمان حسابرسی.
- ۲) تختائی، نصرالله، محمد تمیمی و زهرا موسوی، (۱۳۹۰)، "نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی"، مجله حسابدار رسمی، شماره ۱۵، صص ۴۵-۵۶.
- ۳) محمدپور، مسعود و محمد شهرابی، (۱۳۹۳)، "سازو کار کمیته حسابرسی"، ماهنامه حسابدار، شماره ۲۶۵.
- ۴) منشور کمیته حسابرسی، (۱۳۹۱)، "سازمان بورس و اوراق بهادار"، تهران.
- ۵) یوسفی آذر، سیده الهام، (۱۳۹۱)، "اثربخشی کمیته حسابرسی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی"، اولین همایش منطقه ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی رودکی، تنکابن، ۱۳۹۱.
- 6) Abbott, L. J. and Parker, S., (2000), "Audit Committee Characteristics and Auditor Selection", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19, PP. 47-66.
- 7) Blue Ribbon Committee, (1999), "Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees", *The Business Lawyer*, Vol. 54, No. 2, PP. 1067-1095.
- 8) Bruynseels, L., and E. Cardinaels, (2014), "The Audit Committee: Management Watchdog or Personal Friend of the CEO?", *The Accounting Review* 89 (1), PP. 113-45.
- 9) Carcello, J. V., and T. L. Neal, (2003), "Audit Committee Composition and Auditor Reporting", *The Accounting Review* 75 (4), PP. 453-67.
- 10) Cohen, J., G. Krishnamoorthy, and A. Wright, (2010), "Corporate Governance in the Post-Sarbanes Oxley Era: Auditors' Experiences", *Contemporary Accounting Research* 27 (3), PP. 751-86.
- 11) Coles, J. L., N. D. Daniel, and L. Naveen, (2014), "Co-opted Boards", *Review of Financial Studies* 27(6), PP. 1751-96.
- 12) Finkelstein, s., Daveni, R, (1994), "CEO Duality as a Double-Edged Sword: How Boards of Directors Balance Entrenchment Avoidance and unity of Command", *Academy of Management journal*, 37(5), PP. 1079-1108.
- 13) Hogan, C. E., and M. S. Wilkins, (2008), "Evidence on the Audit Rsk Model: Do Auditors Increase
- 14) Audit Fees in the Presence of Internal Control Deficiencies?", *Contemporary Accounting Research* 25(1), PP. 219-42.
- 15) Gul, F., Leung, S, (2004), "Board Leadership, Outside Directors Expertise and Voluntary Corporate Disclosure", *Journal of accounting and public policy*. 23, PP. 351-379.
- 16) Hoitash, U., R. Hoitash, and J. C. Bedard, (2009), "Corporate Governance and Internal Control over Financial Reporting: A Comparison of Regulatory Regimes", *The Accounting Review* 84 (3), PP. 839-67.

- 17) Jensen, M.C, (1993), "The Modern Industrial Revolution Exit and the Failure of the Internal Control Systems", Journal of Finance, Vol. 48. PP. 831-880.
- 18) Krishnan, J, (2005), "Audit Committee Quality and Internal Control: An Empirical Analysis", The Accounting Review 80 (2), PP. 649-75.
- 19) Klein, A, (2002), "Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management", Journal of Accounting and Economics, Vol. 33, PP. 375-400.
- 20) Lin, Z. J., Xiao, J. Z. and Tang, Q, (2008), "The Roles, Responsibilities and Characteristics of Audit Committee in China", Accounting, Auditing & Accountability Journal, 21(5), PP. 721-751.
- 21) LING LEI LISIC, L. L., NEAL, T. L., ZHANG, I. X, (2016), "CEO Power, Internal Control Quality, and Audit Committee Effectiveness in Substance Versus in Form", Contemporary Accounting Research. PP. 1-39.
- 22) Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M. and Abdol, N, (2014), "Influence of Audit Committee Characteristics on Voluntary ethics Disclosure", Procedia - Social and Behavioral Sciences, 145, PP. 330 – 342.
- 23) Person, O. S, (2009), "Audit Committee Characteristics and Earlier Voluntary ethics Disclosure among Fraud and No-Fraud Firms", International Journal of Disclosure and Governance, 6 (4), PP. 284-297.
- 24) Skaife, H. A., D. Veenman, and D. Wangerin, (2013), "Internal Control over Financial Reporting and Managerial Rent Extraction: Evidence from the Profitability of Insider Trading", Journal of Accounting and Economics 55 (1), PP. 91-110.
- 25) Yermack, D., (1996), "Higher Market Valuation of Companies With a small Board of directors", Journal of financial Economics. 40(2), PP. 185-211.

یادداشت‌ها

¹ PublishOversight Board, 1994

² Othman, et al.

³ Person

⁴ Dalton, et al.

⁵ Lin, et al.